

## زندگینامه گاندی

گاندی . (اخ) پیشوای هندوان و موجد استقلال هندوستان . مهندس کرم چند گاندی روز دوم اکتوبر ۱۸۶۹ م .

در شهر پور بندر که یکی از توابع کاتیاوار واقع در ایالت غربی هند است پا به عرصه وجود گذاشت . او از یک خانواده متوسط متعلق بگروه بازرگانان بود. پدر بزرگ اورئیس وزیران حکومت محلی بود و پدرش نیز بهمان شغل اشتغال داشت . مادر او بانویی متدین بود. همین سنجیه در اخلاق فرزند او که بعدها بصورت «پدر ملت هند» درآمد اثر فراوان نهاد. مهندس تحصیلات ابتدائی را در همان شهر شروع کرد. ولی شاگرد باهوش و زرنگی نبود. بعد همراه با خانواده خود به شهر راجکوت - یکی دیگر از نواحی ایالت فوق الذکر رفت و به ادامه تحصیل پرداخت .

از دوران تحصیل او اثری از عظمت آینده وی مشاهده نمیشد جز اتفاقی کوچک که روزی یک بازرس انگلیسی به دبستانی که او تحصیل میکرد رفت تا کودکان را امتحان کند گاندی نمیتوانست یک کلمه را صحیح بنویسد معلم با اشاره به او فهمانید تا از نوآموز کنار خود رونویسی کند، و چون گاندی از این کار سرباز زد بعدها مورد طعن و بی احترامی آموزگار قرار گرفت . او از همان اوان مایل بود دیگران را تربیت کند و براهی که صحیح می پنداشت هدایت نماید. و چون میدید یکی از دوستان برادرش پسری مهمل و نامرتب است و به بعضی عادات ناپسند از جمله خوردن گوشت که در نزد هندوان مکروه است اعتیاد دارد تصمیم گرفت به هدایت وی پردازد. غافل از اینکه خود رفته رفته تحت نفوذ اخلاقی او قرار گرفت و به خاطر دوستی با او حتی بسرقت طلای دستبند برادر خود مبادرت ورزید. اثر دیگری که از علاقه گاندی حتی در دوران طفولیت به هدایت مردم مشاهده میکنیم ارتکاب وی بخوردن گوشت است . همان دوست به وی گفت : علت تفوق قوم انگلیس بر هندیان این است که چون گوشت میخورند قوی هستند ما که بدین کار نمیپردازیم ضعیف و ناچار از انقیاد هستیم . گاندی جوان به عشق کسب نیرو بمنظور پیشرفت ملت یکبار غذای گوشتدار خورد ولی چنان ناراحت شد که بقول خود او «آن شب در خواب دیدم که گوسفند بینوا در معده ام بع بع میکند».

هنوز سیزده سال از سنین عمرش نمیگذشت و در دبیرستان بود که بخواست پدر با دختری بنام کاستوربای بسن و سال خود ازدواج کرد و چنانکه در سرگذشت خویش مینویسد در آن سن و سال از عروس جز میهمانی های مرتب و یافتن یک همبازی دختر چیزی نمی فهمید. در زمانی که در یکی از کالج های محلی دوره دوم دبیرستان را طی میکرد پدرش به سال ۱۸۸۵ م . بدرود حیات گفت . وضع خانوادگی آنها از نظر درآمد خوب نبود و بزرگان قوم به وی توصیه کردند شغل پدر در پیش گیرد ولی او آرزو داشت وکیل دادگستری شود و پیشنهاد کرد به لندن رود. اگر چه مادر متعصب او نخست با این پیشنهاد مخالفت ورزید

اما بالاخره راضی شد مشروط بر آنکه فرزندش قول دهد هرگز به زن ، شراب و گوشت دست نزند. گاندی در چهارم سپتامبر ۱۸۸۸ م . به طرف انگلستان حرکت کرد. ماههای اول اقامت در آن شهر تغییراتی عظیم در اخلاق و روحیه وی بوجود آورد بطوری که به آموختن ویولن و رقص و آئین سخنوری پرداخت .

ولی بر اثر تماس با طرفداران گیاهخواری و بخصوص آشنائی با دوبرادر متصوف روشی ساده در پیش گرفت و سعی داشت هر چه بیشتر زندگی را ساده و ارزان بگذارند. گاندی بهنگام اقامت در لندن آثار بزرگ دینی خود را بزبان انگلیسی خواند و آنگاه به مطالعه سایر ادیان بخصوص اسلام و مسیحیت پرداخت . کتاب نور آسیا تألیف ادوین آرنولد بویژه فصل مربوط به پیغمبر اسلام اثری عمیق در وی گذارد و همین که قرائت انجیل را به پایان رسانید تحولات بزرگ اخلاقی وی شروع شد و در تاریخ دهم ژوئن ۱۸۹۱ م . به وطن خویش بازگشت .

در بمبئی مطلع شد که مادرش بدرود حیات گفته و بقول خود او مرگ مادر اندوهی بمراتب بیش از درگذشت پدر برای وی ایجاد کرد. پس از رسیدگی به امور خانوادگی به بمبئی رفت تا به وکالت پردازد. در عرض چند ماه فقط یک موکل به وی رجوع کرد و روزی هم که میخواست از او در محکمه دفاع کند چنان ناراحت شده سرش گیج رفت که روی نیمکت افتاد و سبب تمسخر حضار گردید. ناچار به شهر خود بازگشت.

در اینجا نیز از وی استقبالی بعمل نیامد لذا به پیشنهاد یک کمپانی هندی به افریقای جنوبی رفت تا پرونده وی را مورد مطالعه قرار دهد و در محکمه از آن دفاع کند. این مسافرت که در آوریل ۱۸۹۳ م . صورت گرفت در واقع مقدمه مبارزات سیاسی و اجتماعی وی بشمار میرود: در آن زمان روش دولت افریقای جنوبی نسبت به غیر اروپائیان بخصوص هندیها بسیار ناپسند بود و مقاومت های سرسخت ولی مسالمت آمیز گاندی در برابر قوانین ظالمانه آن دولت سبب شهرت وی گردید به طوری که هندیها او را نماینده خود دانستند و به دستورهای وی رفتار میکردند. گاندی در طول اقامت در افریقای جنوبی چندبار از طرف مأمورین دولتی و غیردولتی مورد ضرب قرار گرفت و به زندان افتاد، ولی هرگز از خود عکس العمل نشان نداد در ایامی هم که آزاد بود روزی در دادگاه دریافت که موکلش به او دروغ گفته و با اینکه حق الوکاله هنگفت به وی وعده داده شده بود در دادگاه اعلام کرد که چون موکل وی او را فریب داده از دفاع او خودداری کرد. کرمچند پس از سه سال اقامت در افریقای جنوبی و مسافرت بنقاط مختلف آن به هند بازگشت و تصمیم گرفت ملت هند را از بی عدالتی هائی که نسبت به هموطنان او در افریقای جنوبی روا میداشتند مستحضر سازد چند جزوه انتشار داد که یکی از آنها سبب شد بهنگام بازگشت مجدد به افریقای جنوبی مورد شتم و لعن اروپائیان قرار گیرد بطوری که اگر زوجه وی رئیس کلانتری محل بداد وی نرسیده بود اروپائیان با پاره آجر و سنگ و حتی گوجه فرنگی بقتلش رسانده بودند و این عمل وقیح چنان ایجاد

هیاهو کرد که چمبرلین نخست وزیر انگلیس به استاندار انگلیسی افریقای جنوبی دستور رسیدگی داد وقتی که استاندار به گاندی گفت متهمین حاضرند و هر حکمی که درباره آنها صادر کنید بمنظور امتناع مقامات عالیه لندن قابل اجرا است گاندی فقط گفت «آنها را آزاد کنید». گاندی که در دومین مسافرت به افریقای جنوبی خانواده خود را به همراه برده بود در موقع شروع جنگ های بوئر به سال ۱۸۹۹ م. به علت اعتماد به حکومت انگلیسی و احترامی که برای آن قائل بود از جماعت هندیهای آن سامان یک واحد بهداری بوجود آورد و به قشون انگلیسی خدمت کرد و بدنبال آن به سال ۱۹۰۱ به میهن خویش بازگشت. ورود او به هند مصادف بود با تشکیل جلسات سالانه حزب کنگره ملی. گاندی با استفاده از موقعیت چند قطعنامه راجع بوضع هندیان مقیم افریقای جنوبی به حزب پیشنهاد کرد که همه بتصویب رسید و بدنبال آن پدر آینده ملت هند تصمیم گرفت سراسر کشور را بوسیله قطار راه آهن درجه سه مسافرت کند، تاهم با روحیه مردم و وضع زندگی ایشان در صفحات مختلف کشور آشنا گردد و هم طی مسافرت های طولانی خود از نزدیک ببیند طبقه سوم چگونه زندگی میکنند و به چه چیزاحتیاج دارند و چه عواملی برای پیشرفت ایشان مورد لزوم است. ولی مثل اینکه سرنوشت هنوز تماس گاندی را با مردم هند زود میدانست. زیرا چند صباحی از مسافرت های وی نمیگذشت که هندیهای مقیم ناتال بوسیله تلگرام او را احضار کردند تا هنگام مسافرت چمبرلین به افریقای جنوبی همراه با هیأت نمایندگی هندیها با وی ملاقات کند و خواسته های ایشان را که لغو مالیات های سنگین و جلوگیری از سیاست امتیازات فعلی و تبعیضات نژادی بود به اطلاع نماینده دولت انگلستان برساند. ولی مقامات اروپائی آن سامان مانع از ملاقات گاندی با چمبرلین شدند و او بناچار برای آغاز فعالیت مجدد خود علیه زورگوئی ها راه دیگری انتخاب کرد و برای وکالت در دادگاه عالی ژوهانسبورک نام نویسی کرد. در همین ایام بود که زولوها علیه حکومت انگلیسی در افریقای جنوبی قیام کردند و گاندی به پیروی از عقیده خود مبنی بر مفیدبودن حکومت انگلیس برای بشریت یک واحد بهداری جدید تشکیل داد تا بزخمی ها و بیماران کمک کنند.

به جرات میتوان ایام خدمت گاندی را دراین واحد پایه اصلی زندگی عالی اخلاقی آینده او دانست. درست است که تجربیات وی در امور مختلف از سالها قبل آغاز گردید و حتی در نیمه دوم توقف خود در لندن به هنگام تحصیل از تشریفات زندگی کناره گرفت و عزم جزم کرد تا حد امکان بسادگی زندگی کند ولی راه پیمائی های طولانی که در ایام نبرد قشون انگلیس علیه زولوها انجام میشد فرصت بسیار مناسبی بود تا گاندی به تعمق و تجسس نفس بپردازد. تصمیمات وی در این ایام راه زندگی او را بطور کلی تغییر داد و او را در مسیر جدیدی انداخت نخستین تصمیم وی به اصطلاح هندی «تجرد در عین تاهل» است. بدین معنی که شوهر در حالی که نهایت احترام و عزت را برای زوجه و حقوق او قائل است از توسل به اعمال شهوانی پرهیز میکند و اجازه نمیدهد دیو شهوت حتی برای یکبار او را فریب دهد. تصمیم دوم وی «عدم تملک» است که گفت لزومی ندارد بگرد آوردن مال پردازم. حداقل وسیله برای سهل ترین راه زندگی کافی

است. این تصمیم با هدیه ۰ کلیه ۰ دارائی خود - حتی جواهرآلات زوجه اش - به کنگره ۰ هندی های مقیم افریقای جنوبی آغاز گردید و به این حقیقت پایان یافت که در روز شهادت وی هنگامی که ما ۰ مورین دولت برای ثبت و ضبط موقت اموال وی اقدام کردند معلوم شدتنها ثروت این مرد عبارت بود از: یک ساعت ، دو جفت کفش چوبی ، یک عینک ، یک قلم ، کاردی مخصوص برای باز کردن پاکات ، یک نمکدان ، دو کاسه ۰ چوبی و یک قاشق چوبی به اضافه پارچه ۰ سفیدی که شبیه به لنگ بر خود می بست و گاه گوشه ای از آن را روی شانه می انداخت . البته باید افکار عمیق او را در راه پیمائی های نبرد زولو با مطالعات وی همراه دانست . چه ، بتصدیق خود او آثار تولستوی ، جان رسکین ، آدولف ژوست و مافوق اینها تعلیمات گیتا کتاب مقدس هنود و انجیل و قرآن مجید بخصوص فرمایشات حضرت پیغمبر ( ص ) در نوعپروری و خلوص و اخوت و سادگی اثرات فراوانی در فکر وی از خود باقی گذاشت .

گاندی معتقد بود هرکس پندی میدهد و اصلی را موعظه میکند باید در درجه ۰ اول خود واجد آن شرائط و مزایا باشد بدین سبب یا هر اصلی که مواجه میگشت نخست آن را در مورد خود به مرحله ۰ آزمایش درمی آورد، در صورتی که مقرون بحقیقت و واقع مییافت آن را به دوستان و آشنایان تعلیم می داد. گاندی به دنبال مطالعه ۰ آثار تولستوی و تورو دریافت که یگانه راه مبارزه علیه زورگوئی مقامات اروپائی به هندیان در آن سامان استفاده ۰ از روش ساتیاگ راها است که در اصطلاح غیر هندی آن را «مقاومت منفی» عنوان کرده اند ولی مفهوم اصلی کلمه «پافشاری برای راستی و حقیقت» است گاندی به پیروی از اصل «با شریر مقاومت مکن» که از اندرزه های عیسی مسیح است به هم میهنان خود میگفت در راه راستی مبارزه کنید، هرگز به اعمال زور و تشدد نپردازید تا موفق شوید. گاندی برای اولین بار مبارزه ۰ ساتیاگ راها را به سال ۱۹۰۸ م . در افریقای جنوبی علیه «قانون سیاه» آغاز کرد که فوراً بازداشت شد و مدت ده ماه در زندان گذرانید. ژنرال اسموتس استاندار انگلیسی افریقای جنوبی قول داد در صورتی که هندیها علیه قانون سیاه مبارزه نکنند آن را لغو کند. گاندی به قول او اعتماد کرد و علیرغم مخالفت های شدید و حتی تهدید به مرگ هندیها برگه ۰ مخصوص را امضاء کرد. ولی اسموتس به عهد خود وفا نکرد و بهمین دلیل قیام آرام و بدون سلاح هندیها آغاز شد و دسته دسته در سپتامبر ۱۹۰۸ م . بدنبال گاندی بزندان رفتند. گاندی برای سومین بار در فوریه ۰ ۱۹۰۹ م . به زندان با کار محکوم شد. در طول سه ماه محکومیت ساعات فراغت به مطالعه پرداخت و چنان از حیث روحیه و جنبه های اخلاق تقویت شد که اعلام داشت بهترین محل برای ساختن و پرداختن روح زندان است . مبارزه ۰ گاندی هنوز ادامه داشت که دولت افریقای جنوبی اعلام کرد فقط ازدواج اروپائیان رسمیت دارد. زنان هندی این اعلامیه را موجب هتک احترام و حیثیت خود تلقی کردند و از آن پس در مبارزات مسالمت آمیز با مردان شرکت و همکاری کردند. هندیها بمنظور نقض قانون بطور دستجمعی از مرز ترانسوال گذشتند وبا اینکه عده ۰ زیادی از ایشان را گلوله ۰ سربازان اجنبی از پای درآورد ولی پایداری آرام و عدم توسل به اسلحه و پاسخ متقابل دولت را بزانو درآورد. بطوری که گاندی را

هم پس از چهارمین زندان آزاد کرد و قوانین غیر قانونی بودن ازدواج غیراروپائیان و قانون سیاه و قانون منع عبور از سرزمین ترانسوال و ناتال را لغو کرد. گاندی در یکی از همین چهار زندان بود که یک جفت کفش صندل راحت برای ژنرال اسموتس بافت . و ژنرال مزبور پس از بیست و پنج سال هنگامی که راجع به گاندی صحبت کرد گفت : حالا فهمیدم که شایسته نبودم پا در کفش چنان مردی کنم .

در سال ۱۸۹۳ م . که گاندی به طرف افریقای جنوبی حرکت کرد یک وکیل جوان و بی تجربه ای بود و به دنبال ثروت میرفت . در ژانویه ۱۹۱۵ م . که بار دیگر به میهن خویش باز گشت بقول تاگور شاعر فیلسوف هند «روحی بزرگ ولی ژنده پوش» بود که از مال دنیا چیزی نداشت ولی عزم کرده بود به اصلاح اخلاق هم میهنان خود پردازد. در آن ایام هنوز کم بودند افرادی که در خود هند گاندی را میشناختند. ولی مسافرت‌های مرتب او به استانهای کشور و بخصوص آغاز مبارزه ۰ ساتیاگ راها در یکی از شهرهای ایالت بهار موسوم به چام پاران و موفقیت این مبارزه که علیرغم میل گاندی توسط مطبوعات در سراسر کشور تبلیغ و بزرگ میشد باعث شد تارو بروز بر پیروان او افزوده گردد. مبارزه ۰ مسالمت آمیز چام پاران بقول مطبوعات ملی هند ثابت کرد، ملتی که بخواهد مستقل شود باید بپاخیزد و برخاستن مولد یک عامل است آنهم تصمیم . مبارزه ۰ کارگران نساجی احمدآباد دومین وسیله ای بود که سبب اشتها بیشتر گاندی در خود هند شد و چون صاحبان کارخانجات حاضر نشدند خواسته های کارگران را برآورند و خطر گرسنگی برای کارگران بود گاندی اعلام کرد که روزه خواهد گرفت و تا روزی که مسئله حل نشود به غذا دست نخواهد زد. این امر در صاحبان کارخانجات نساجی احمدآباد بسیار مهم تلقی شد بطوری که در عرض سه روز کارگر و کارفرما با هم کنار آمدند و گاندی روزه را شکست . گاندی طی دو سال اول بازگشت اخیر از افریقای جنوبی چندین مبارزه ۰ مسالمت آمیز را هدایت کرد و در هیچ میتینگ و تظاهراتی نبود که خودپیشاپیش دیگران حرکت نکنند. بتصدیق حتی دشمنان و مخالفین وی علت اصلی پیشرفت او همین بود که اگر تظاهراتی باید صورت بگیرد خود در صف اول می ایستاد و بجلو میرفت تا هرگاه ما ۰ مورین شهربانی و دولتی حمله ای کنند اول خود او را بزنند و بازداشتش کنند. در سال ۱۹۱۷ م . نایب السلطنه ۰ وقت انگلیسی از او تقاضا کرد که برای توفیق انگلیس در جنگ مردم را تشویق کند تا در ارتش انگلیسی هند نام نویسی کنند. گاندی که هنوز امپراطوری بریتانیا را منزه می پنداشت پیاده براه افتاد و با تحمل مصائب بسیار واحد بزرگی تشکیل داد ولی ضمناً دریافت اگر مردم برای مبارزه برفع حق خود و علیه زورگوئی با وی همگام هستند او نباید بپندارد که در جنگ برای دیگران نیز بهمان نسبت فدائی و آماده هستند.

گاندی تا این زمان در امور سیاسی دخالت نکرده بود یابعبارت دیگر قدم به صحنه ۰ سیاست امور هند نگذاشته بود. ولی حکومت انگلیسی هند بجای پاداش فداکاریهای هندیان در جنگ بین المللی اول قانونی

گذراند که هند را در غل و زنجیر نگاه دارند. بموجب این قانون که «رولت بیل» نامیده میشد دولت میتوانست هر فرد هندی را که علیه او سخنی راند و یا نویسد بدون محاکمه زندانی یا اعدام کند. رولت بیل در واقع قانون خفقان عمومی بود و همین قانون گاندی را از خواب ممتدی که سالها بدان فرورفته بود بیدار کرد، و نظرش را نسبت به حکومت خارجی تغییر داد و بالضروره او را به صحنه سیاست کشاند. مبارزات سیاسی گاندی از سال ۱۹۱۹ میلادی شروع شد و تا سال ۱۹۴۸ م. که بضرط گلوله یکی از افراد جاهل از پای درآمد ادامه داشت. در واقع باید او را در طول چنین مدتی طولانی یکی از سیاست‌های هند دانست. گاندی در این بیست و نه سال وضع کلی سیاست هند را تغییر داد ولی خود او کوچک‌ترین تغییری ننمود. برای بیدار کردن احساسات مردم و تعمیم مبارزات دستور «هرتل» صادر کرد. هرتل را باید نوعی اعتصاب و اعتراض عمومی دانست که بهنگام اجراء آن کلیه دکان‌ها و بازارها بسته میشود، کارمندان ادارات و بنگاه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی از حضور در محل کار امتناع می‌ورزند. نخستین هرتل که بعنوان مبارزه با قانون خفقان عمومی بود موجب تعجب عموم حتی خود گاندی گشت زیرا تا به آن روز باور نکرد که ملت هندوان و مسلمانان تا به این حد برای پیشرفت امور مشترک خود صمیمانه همکاری کنند. ولی او در این مبارزه بازداشت شد و چون شنید یک افسر پلیس به دست جمعیت در احمدآباد به قتل رسیده است متأسف شد و به منظور اعتراض علیه این اقدام که خلاف روح مسالمت‌آمیز مبارزات او بود مدت سه روز روزه گرفت. در روز اعلام روزه (سیزدهم آوریل ۱۹۱۹ م.) ژنرال دایر فرمانده انگلیسی پادگان احمدآباد به سربازان خود دستور داد اشخاصی را که در تظاهرات شرکت داشتند در محلی بنام باغ جلیان والا به مسلسل بستند در نتیجه یکهزار و دویست نفر در همان محل بقتل رسیدند و سی و شش هزار نفر دیگر زخمی شدند. این قتل عام عمومی که در تاریخ بشر کمتر نمونه و تالی دارد حتی در پارلمان انگلیس مورد بحث قرار گرفت و یکی از نمایندگان آن گفت: «این روز، سیاه‌ترین یوم در تاریخ حکومت انگلیسی در هند است» سیزدهم ژوئیه را هندیها عزای عمومی میدانند. چندی پس از این واقعه مسئله خلافت بعثت از بین رفتن امپراطوری عثمانی پیش آمد. این امر که در هند باعث تشکیل میتینگها و مجامع مختلف شده بود توجه گاندی را بخود جلب کرد، در چند میتینگ بنفع هندیهای مسلمان نطق کرد و در یکی از همین میتینگها بود که «نهضت عدم همکاری» با حکومت انگلیسی را پیشنهاد و اعلام کرد.

سپس نهضت «سوراج» یا مبارزه برای حکومت خودمختاری هند را آغاز نهاد. شاید جالب توجه باشد اگر گفته شود همان گاندی که چهار سال قبل مورد بی‌اعتنائی بعضی از مقامات حزب کنگره ملی هندبود و ایشان او را مردی بی‌اطلاع از اوضاع هند و بی‌سیاست تلقی میکردند به سال ۱۹۲۰ م. میلادی مرکز سیاست حزب کنگره ملی شد و چون بهیچ وجه ریاست حزب را نپذیرفت غیرمستقیم آن را اداره کرد و واسطه‌ای بود که شکاف بین افراد تحصیلکرده و روشنفکر را با توده‌های مردم پُر نمود و ایشان را بهم مربوط ساخت. نهضت عدم همکاری با اقدام گاندی مبنی بر بازگرداندن کلیه مدال‌ها و نشان‌هایی که

دولت انگلیسی در افریقای جنوبی به وی اهداء کرده بود آغاز گردید. گوئی ملیون هند در انتظارچنین اقدامی بودند. چه به پیروی از گاندی عده ۰ بسیار زیادی مدالهای خود را برای نایب السلطنه ارسال داشتند. شاگردان مدارس کلاس های درس را به عقب گذارده در کوچه و خیابان اجتماع کردند تا به فرمان گاندی پردازند. زنان هند که قرنها از حقوق اجتماعی محروم مانده بودند در پی فرصتی میگشتند تا نقش خود را در اجتماع ثابت کنند. گاندی با مشاهده ۰ علاقه ۰ عمومی مردم برای آزادی و استقلال در هر موعظه ای که میکرد و مقاله ای که در دو روزنامه ۰ هفتگی خویش موسوم به «هند جوان» و «نوجوان» به رشته ۰ تحریر درآورد مردم را به آرامش تشویق میکرد. در مبارزه ای که ماه فوریه ۱۹۲۲ م. در ناحیه چوری چورا روی داد بار دیگر مردم یکی از ۰ مورین دولت را به قتل رساندند و گاندی با اعتراض علیه این عمل روزه ۰ پنج روزه ۰ خود را اعلام داشت، دولت که در پی فرصت بود او را بازداشت کرد و قاضی انگلیسی «مهاتما» را به شش سال حبس بدون کار محکوم ساخت. گاندی مطالعات مذهبی و اخلاقی خود را در زندان ادامه داد اما بعلت کسالت شدیدی که در ژانویه ۰ ۱۹۲۴ م. عارض او گشت به بیمارستان منتقل گردید و در حالی که بیهوش بود یک طبیب انگلیسی آپاندیس او را عمل کرد. روزی که گاندی به زندان رفت دو گروه بزرگ مسلمان و هند بیکدیگر نزدیک شده و احساسات عمومی بنفع آزادی ملت برانگیخته شده بود. ولی از بین رفتن مسئله ۰ خلافت با روی کار آمدن کمال آتاتورک در کشور ترکیه، که سبب شد هندیهای مسلمان به کمک برادران هندوی خود احتیاج نداشته باشند همراه با زد و خوردهای متعددی که به اشاره ۰ سیاست خارجی در نقاط مختلف روی داد این دو گروه را از یکدیگر جدا ساخت. گاندی به مدت پنجسال از فعالیت در سیاست کناره گیری کرد و فقط در راه وحدت نظر مسلمانان و هندو کوشید. زیرا علاوه از اختلاف نظرات مذهبی حزب کنگره ۰ ملی نیز در دوران حبس وی ازهم شکافت و انشعاب در آن بوجود آمد. گاندی در پایان سال ۱۹۲۹ که جلسات سالانه ۰ حزب برپا بود قطعنامه ای پیشنهاد کرد که بموجب آن حصول آزادی و استقلال هدف عالی حزب اعلام میشد. با تصویب این قطعنامه ثابت شد که گاندی مصمم است بار دیگر قدم به عرصه ۰ سیاست گذارد.

نهضت سواراج بار دیگر رونق گرفت و روز بیست و ششم ژانویه ۰ ۱۹۳۰ م. به نام روز خودمختاری اعلام شد. هندیها از آن پس این روز را جشن گرفتند و چون در همین تاریخ (۲۶ ژانویه ۰ ۱۹۴۸) جمهوریت هند اعلام گردید لذا امروزه «روز جمهوری» خوانده میشود. گاندی روز دوم مارس ۱۹۳۰ م. پس از اطلاع به نایب السلطنه ۰ وقت انگلیسی در هند همراه با هفتاد و هشت نفر از زنان و مردانی که با او در یک خانقاه زندگی میکردند نهضت جدیدی را که اعتراض علیه قانون نمک عنوان شد آغاز نهاد و مدت بیست و چهار روزپایه در سواحل هند بحرکت درآمد. این اقدام بظاهر ساده ۰ وی در مردم اثر عمیق گذارد. بطوری که مرد و زن و کاسب و اداری و بزرگ و کوچک در هر محلی به ساحل دریا رفتند و نمکی را که آب بر خشکی گذارده بود برداشتند و به چوب و ضرب و شتم و حتی تیراندازی و بازداشت پلیس علیه این اقدام اعتنا

نکردند. روز ششم آوریل بود که گاندی صبح زود به کنار دریا رفت و مшти نمک به دست گرفت و گفت ما اجازه نمیدهیم دولت خارجی با استفاده از سرشار از منابع طبیعی مملکت را در ناراحتی گذارد. در چهارم ماه مه بود که نیمه شب بازداشت و زندانی گشت. دولت انگلیس که با مشکل بزرگی مواجه گردیده بود در نوامبر ۱۹۳۰ نخستین کنفرانس میزگرد را در لندن تشکیل داد و اظهار امیدواری شد که حزب کنگره در دومین کنفرانس میزگرد شرکت جوید. مذاکرات گاندی - ابروین برای تعیین سرنوشت هند و اعلام خواسته های ملت به دولت انگلیس در ماه فوریه ۱۹۳۱ م. آغاز شد و دولت کارگری انگلیس وعده مساعدت داد. پیمان گاندی - ابروین در پنجم مارس امضاء گردید و گاندی روز بیست و نهم اوت بوسیله کشتی به صوب لندن حرکت کرد تا در دومین کنفرانس میزگرد شرکت جوید. مسافرت او اگرچه از نظر امور سیاسی برای هند مفید فایده واقع نشد ولی ملت انگلیس از تقاضاهای واقع ملت هند آگاه گردید. گاندی هنگام بازگشت به هند در کشور سوئیس با رومن رولان ملاقات کرد و در یکی از جلسات هواداران وی بود که برای نخستین بار اعلام کرد «راستی، خداست». قبل از آنکه پای گاندی به بمبئی برسد به دستور نایب السلطنه جدید عده زیادی منجمله جواهر لعل نهرو بازداشت شدند و همینکه گاندی به بمبئی وارد شد گفت: هدیه میلاد مسیح یک نایب السلطنه مسیحی برای هندیان ذیقیمت است، خود او را هم بازداشت کردند و بدون محاکمه به زندان پراودا افتاد. گاندی به علت اطلاع از تصمیمات جدید دولت انگلیس دایر بر اینکه قصد دارد در قانون اساسی هند برای پیروان هر مذهب انتخابات جداگانه ای منظور کند طی نامه ای به نایب السلطنه اطلاع داد تا پای مرگ روزه خواهد گرفت. دولت انگلیس در پنجمین روز روزه گاندی اعلام کرد که از قصد خود بازگشته و گاندی نیز روزه را شکست.

گاندی پس از رهائی از زندان شش سال تمام برای بهبود زندگی افرادی که «تجس» خوانده میشدند و او ایشان را «فرزندان خدا» لقب داده بود و امروزه نیز چنین خوانده میشود کوشید و هندوان و مسلمانان را به وحدت دعوت کرد. آغاز جنگ بین المللی دوم بار دیگر گاندی را به صحنه سیاست دعوت کرد پیشرفت سریع ژاپونی ها بسوی مرزهای هند و عدم توانائی انگلیس به دفاع از این شبه قاره بزرگ سبب شد گاندی دست به ابتکار جدید زند و مبارزه ای را آغاز نهد که به «از هند خارج شوید» معروف است. گاندی روز هفتم اوت ۱۹۴۲ نطق شدیدی علیه انگلستان ایراد کرد و دو روز بعد همراه با سایر پیشوایان حزب کنگره ملی هند بازداشت شد و به زندان افتاد. در فوریه سال بعد روزه بیست و یک روزه خود را برای آشتی و مودت مسلمانان و هندوها در سراسر هند آغاز نهاد که بعلت وخیم شدن وضع مزاجی و احتمال بلوای عمومی در آن کشور روز ششم مه آزاد گردید زندان اخیر از دو حیث برای گاندی گران تمام شد. زیرا زوجه و صمیمی ترین دوست و دبیر مخصوص او درطول آن بدرود حیات گفتند. نایب السلطنه هند در ماه مه ۱۹۴۷ م. جلسه مخصوصی برای ملاقات با گاندی و ترتیب استقلال هند برپا ساخت. در نتیجه این ملاقات و مذاکره آزادی هند در پانزدهم اوت ۱۹۴۷ م. اعلام گردید و بدین ترتیب مبارزه ای که از سالها



قبل آغاز شده و گاندی سبب تعمیم آن در کلیه ایالات هند شده بود به نتیجه رسید. گاندی از این پس برای رفع اختلافات پیروان مذاهب مختلف بخصوص هندو و مسلمین همت گمارد و مرتب پیاده از شهری به شهر دیگر رفت. هر کجا که با مشکلی مواجه گشت روزه می‌گرفت و مردم فوراً اوامر او را پذیرفته و وی افطار میکرد. در دومین روز از روزه ۰ آخر یک بمب دستی به طرف اطاقی که او نشسته بود پرتاب شد که به وی اصابت نکرد و صدمه ای نرساند. ده روز بعد در سی ام ژانویه ۰ ۱۹۴۸ هنگام مراجعت از عبادتگاه ساعت نه و نیم صبح از محلی بنام «بیرلاهاوس» خارج میشد تا برای انجام فریضه ۰ مذهبی به خانقاه رود یک هندوی متعصب از اهل پونه که رامینات نام داشت به او نزدیک شد و در حالی که تظاهر به ادای احترام به او می کرد بوسیله ۰ طپانچه ۰ کوچک خودکار سه تیربطرف قلب وی شلیک نمود. گاندی که بر اثر روزه های اخیر بیش از پیش ضعیف و استخوانی شده بود بر زمین افتاد و پس از ادای دو کلمه ۰ «هه رام» [ یعنی خداوندا ] قلبی که همیشه برای محبت به دیگران می‌طپید از حرکت باز ایستاد. رامینات در بازرسی گفت: من به این جهت گاندی را کشتم که با سیاست این مرد که نهرو نیز از او پیروی میکرد مخالفت داشتم. نهرو میگوید:

گاندی کشته شد این قهرمان مقاومت منفی که مظهر اخلاق عالی و مخالف با هرگونه عمل شدید بود چنین مقدر شده بود که بنحو شدیدی از دنیا برود هنگامی که گاندی میخواست برای صلح و اخوت بویژه در هندوستان دعا کند دعای او قطع شد. آنچه را گاندی تعلیم میداد جنبه ۰ هندی نمیتوان داد و آن را مخصوص به هند نمیتوان دانست زیرا تعلیمات اخلاقی وی ارزش جهانی داشت و میتوان آن را در دو کلمه ۰ «راستی» و «عدم تشدد» تلخیص کرد. او گفت سالک راه حقیقت نباید تحت هیچ شرایط و مقتضیاتی پا از راهی که انتخاب نموده فرانهند و برای رسیدن به هدف، اگر چه دشمن در پیش باشد، نباید به اعمال جبر و زور متوسل گردد. گاندی کتب مقدسه ۰ ادیان بزرگ را همراه با آثار اخلاقی پیشروان اخلاق و فلسفه مورد مطالعه قرار داد و ارزش معنوی او به پیروی از نظر انسان دوستی او در این است که بحقیقت تمام ادیان پی برد و به آنها عمل کرد. از رسوم وی یکی این بود که همه روزه یک آیه از هر یک از کتب مقدسه ۰ ادیان بزرگ تلاوت میکرد و آنگاه به کارهای روز رسیدگی مینمود. هفته ای یک بار [ روزهای دوشنبه ] روزه می‌گرفت و هفته ای یک روز [ ایام سه شنبه ] حرف نمیزد و بتعمق و تفکر میپرداخت.

آثار گاندی .

گاندی دارای انتشارات و تالیفات مختلف است : ۱ - تجربیات من با راستی یا سرگذشت مهاتما گاندی بقلم خود او. ۲ - نامه های من به «میرا» (۱۹۲۴ - ۱۹۴۸). ۳ - صددرصد ساخت هند. ۴ - وحدت جماعات و فرق . ۵ - برنامه ۰ خلاقه مفهوم و محل آن . ۶ - خاطرات دهلی . ۷ - رژیم غذایی و اصلاحات

آن . ۸ - کمبود خواربار و مسئله ۰ کشاورزی . ۹ - برای صلح دوستان . ۱۰ - از زندان مندر. ۱۱ -  
مکاتبات من با دولت . ۱۲ - خودمختاری داخلی هند. ۱۳ - قانون کار هندو. ۱۴ - خوشه هائی که در پای  
گاندی چیده شد. ۱۵ - کلید بهداشت . ۱۶ - عدم تشدد در صلح و جنگ (دو جلد). ۱۷ - رام نامه . ۱۸ -  
ساتیاگ راها. ۱۹ - ساتیاگ راها در افریقای جنوبی . ۲۰ - منتخب نامه ها (دسته ۰ اول). ۲۱ - انتخاباتی  
از باپو. ۲۲ - کف نفس . ۲۳ - صدای ملت . ۲۴ - به دانشجویان . ۲۵ - به بانوان . ۲۶ - به هندوها و  
مسلمانان . ۲۷ - به شاهزادگان . ۲۸ - بانوان و ظلم اجتماعی که به ایشان روا میشود. ۲۹ - میسیون های  
مسیحی و موقعیت ایشان در هند. ۳۰ - اقتصاد و پارچه ۰ ساخت هند. ۳۱ - مسئله ۰ استان های هند.